

Analysis of the concept of values and anti-values in the Qur'an [In Persian]

Abbas Eqbali ^{1*}

¹ Associate Professor, Faculty of Literature and Foreign Languages, Department of Arabic Language and Literature, Kashan University

*Corresponding author: aeghbaly@kashanu.ac.ir

DOI: 10.22034/jltll.2021.528536.0

Received: 31 Mar, 2019

Revised: 01 Mar, 2021

Accepted: 17 Aug, 2021

ABSTRACT

The precious text of the Holy Quran is full of wise subtleties and artistic images or beautiful ideas that have added to the charm and effect of its verses; Its vivid and dynamic staging is such that spiritual and intangible phenomena, in visual and audio art images, are visible and tangible in the form of beautiful and expressive paintings. This method has continued with the help of novel systems such as similes and elements such as visualization, imagination, movement. In this article and in line with the linguistics of the Holy Quran, by looking at the definition of "artistic image" in Arabic literature, some verses of the Quran have been analyzed using to explain the moral values and anti-values; In the language of the Qur'an, the artistic images of the Qur'an are an example of its rational subtleties, in a way that embodies spiritual subjects and abstract concepts and makes them visible and tangible in the form of visual images. Technical illustrations or ideas of the Qur'an are not limited to moral values or norms such as modesty, chastity, humility, but are also used to explain anti-values such as infidelity, cruelty and miserliness and make such spiritual matters tangible. In Quranic ideas, the element of embodiment and embodied ideas are much more frequent than imaginary images and most images are visual. The artistic images of the Qur'an target the innate feelings and emotions of man in order to lead the audience to reflect on their behavior.

Key words: Idea, Artistic Image, Embodiment of the Quran, Faith, Charity.

واکاوی انگاره ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در قرآن

عباس اقبالی^{*۱}

۱. دانشیار دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان

*نویسنده مسئول مقاله Email: aeghbaly@kashanu.ac.ir

DOI: 10.22034/jltll.2021.528536.0

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

اصلاح: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۱

چکیده

متن گرانسنگ قرآن کریم، مشحون از لطافت‌های خردمندانه و تصاویر هنری یا انگاره‌های زیبایی است که بر جذابیت و تأثیر آیات آن افزوده است؛ چه صحنه پردازی‌های زنده و پویای آن به گونه ایست که پدیده‌های معنوی و نامحسوس، در تصاویر هنری دیداری و شنیداری، به صورت تابلوهای زیبا و گویا، مشهود و ملموس می‌گردند. این شیوه با استمداد از آرایه‌های بدیعی همچون تشبیه و عناصری از قبیل تجسیم، تخییل، حرکت ادامه یافته است. در این جستار و در راستای زبان شناختی قرآن کریم، با نگاهی به تعریف «انگاره یا تصویر هنری» در ادب عربی، برخی از آیات قرآن که با بهره‌گیری از این هنر به تبیین ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی پرداخته تحلیل شده است؛ در زبان قرآن، تصویرهای هنری قرآن نمونه‌ای از لطافت‌های خردگرایانه آن است، این شیوه به گونه ایست که موضوعات معنوی و مفاهیم انتزاعی را مجسم ساخته و به صورت تابلوهایی دیداری مشهود و محسوس می‌سازد. تصویرگری‌های فنی یا انگاره‌های قرآن محدود به ارزش‌های اخلاقی یا هنجارها مانند خشیت، عفت، تواضع نمی‌شود، بلکه در تبیین ضدارزش‌هایی مانند: کفر، قساوت و حسّت نیز به کار رفته و این قبیل امور معنوی را محسوس و ملموس می‌سازد. در انگاره‌های قرآن عنصر تجسیم و انگاره‌های مجسم بسیار پر بسامد تر از تصویرهای تخییلی است. و اکثر تصویرها دیداری است. تصویرهای هنری قرآن احساسات و عواطف فطری آدمی را هدف گرفته‌اند تا بدین وسیله مخاطب را به تأمل در رفتار خویش سوق دهند.

واژگان کلیدی: انگاره، تصویر هنری، تجسیم، قرآن، ایمان، انفاق

در زبان ادبی، «تصویر هنری» یا «ایماژ» یعنی تشکیل، تخییل، تمثیل، تجسیم، تشبیه و ... (علی القضاة، ۱۹۸۸، ص ۴۳) و برخی آن را «نمایش تجربه حسی به وسیله زبان» (پرین، ۱۳۸۳، ص ۳۸) تعریف کرده اند، اما پر واضح است که تجربه حسی محدود به امور دیداری نیست. ما با حواس خود، امور مختلفی را تجربه می‌کنیم و می‌توانیم آن تجربه‌ها را با کلمات به تصویر بکشیم» (فتوحی ۱۳۸۶، ص ۴۳)؛ از این رو در صورت بردازی ادب عربی، صورت‌ها دیدنی، شنیدنی و حرکتی است (رز غریب، ۱۳۷۸، ص ۱۱۴).

در این صورت‌ها، امور انتزاعی و معنوی به گونه پدیده‌ای محسوس، دیدنی، شنیدنی بر دیده و گوش ذهن مخاطب سخن آورده می‌شود. برای مثال، طرفه بن عبد در بیت زیر، برای نمایش پیکر ناقه اش، تصویر مرد آب‌کشی را که دو سطل آب را با دستان خویش حمل می‌کند، ترسیم می‌کند:

لَهَا مِرْفَقَانِ أَفْتَلَانِ كَأَنَّهَا
تَمْرٌ بِسَلْمَى دَالِحٍ مُتَشَدِّدٍ

(دیوان طرفه بن عبد، ۳۷)

(این شتر، دو آرنج (دستان) سخت و قوی دارد و در کنار پهلوهایش، مانند مرد آب‌کشی نیرومندی است که دو دلو به دستان دارد و راه می‌رود.)

در تصویر شنیداری، بر خلاف «نام آوا» بین اصوات و معانی صور آن رابطه‌های ذاتی یا طبیعی برقرار نیست، بلکه واژگان و ترکیب‌هایش بر معنای وضعی خود دلالت دارند» (اقبال، ۱۳۸۹، ص ۲۹). ولی تعبیرات به گونه‌ای هستند که تصاویر شنیداری، صداها را ترسیم و تداعی می‌کنند.

شنفری، شاعر جاهلی، در سروده خود صدای یرتاب تیر از کمانش را مانند صدای پیرزنی داغ‌دیده می‌داند که در سوگ فرزندش ناله سر می‌دهد.

إِذَا زَلَّ عَنْهَا السَّهْمُ حَنَّتْ كَأَنَّهَا
مُرْرَاءَةٌ تَكَلِي تَسْرِنٌ وَتُعُولُ

(دیوان شنفری، ۶۰)

(هنگامی که تیر از کمان خارج می شود صدا می دهد، گویی صدای پیرزنی مصیبت دیده است که در فراق فرزندش شیون می کند و ناله سر می دهد).

با عنایت به کارکرد تصویر های هنری و اینکه قرآن مجید نیز به زبان عربی نازل شده (بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ) (فرقان/۱۹۵) است، این سؤال رخ می نماید که این هنر در آیاتی که به تبیین ارزش های اخلاقی و ضد ارزش ها پرداخته اند چه کاربستی دارد؟ و از کدامین عنصر تصویرگری بهره مند است؟ در این جستار با اشاره به پیشینه این موضوع و تبیین نمونه هایی از تصویرهای هنری قرآن به واکاوی این پدیده در زمینه ارزش ها و ضد ارزش ها پرداخته می شود.

پیشینه پژوهش

بسامد تصاویر هنری در ادب عربی و آیات شریفه قرآن مجید، موجب توجه پژوهشگران در ادب عربی و زبان قرآن گشته و به واکاوی ویژگی های این تعابیر انجامیده است؛ تحلیل آرایه های «تجسیم»، «تجسید» و «تشخیص» یا جان بخشی در ادب عربی و تبیین تصویرهای هنری آیات شریفه قرآن، در کتاب های الصّورة السّمعیة فی الشعر العربی قبل الإسلام تألیف صاحب خلیل ابراهیم، التصوير الفنّی فی القرآن از سید قطب، و در مقاله های تصویرهای دیداری و شنیداری در معلقات سبع از عباس اقبالی و عناصر تصویر هنری در آیات مربوط به حیات بعد از مرگ از همین نگارنده، ره آورد چنین پژوهش هایی است. هرچند در خصوص مصادیق ارزش ها و ضد ارزش هایی که در قرآن مجید مطرح شده تبیین های فراوانی صورت گرفته است، ولی در هیچ یک از این بررسی ها، تصویرهای هنری آیاتی که به بیان ارزش ها و ضد ارزش ها پرداخته اند تحلیل نشده است.

ارزش‌ها

ارزش‌ها یعنی پدیده‌های معنوی و انتزاعی که مایه جهت‌گیری اندیشه و رفتار انسان‌ها می‌شوند و شامل - ارزش‌های اقتصادی، ارزش‌های ملی و سیاسی، ارزش‌های دینی، ارزش‌های قانونی و حقوقی و ارزش‌های فرهنگی می‌شود. پرواضح است که هیچ جامعه‌ای بدون این قبیل ارزش‌ها نیست، و قرآن مجید که در پی بنیان جامعه‌ای آرمانی است در بسیاری از آیات خویش به مقوله ارزش‌ها پرداخته به گونه‌های مختلف آن‌ها را تبیین کرده است. به دیگر سخن، قرآن کریم با کاربست و بهره‌گیری از تصاویر هنری در شناساندن این ارزش‌ها و جلب نظر مخاطب برآمده است. تصویرهایی که بر جذابیت و تأثیر آیات قرآن کریم افزوده است، چه تصویرگری و صحنه‌پردازی‌های زنده و پویای آن به گونه‌ایست که موضوعات معنوی و ذهنی و حالات نفسانی، دگرگون‌گشته و به صورت تابلوهای زیبا و گویا مشهود و محسوس می‌گردند.

برای مثال، خداوند سبحان در توصیف ذات خویش، با کلمات «نور»، «مشکاة» و «زجاجة» تصویری دیداری می‌آفریند {... مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ...} (نور، ۳۵) و در تبیین اسلام، تصویر درختی پاک که ریشه در دل خاک دارد و سر بر آسمان برافراشته {...مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ...} (ابراهیم، ۲۴) را ارائه می‌دهد و یا در بیان سراسیمگی اهل حشر، در آیه شریفه {...يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ} (قمر، ۷) تصویری از ملخ‌های پراکنده را ترسیم می‌کند. همچنین در تبیین امور انتزاعی از جمله: هنجارها و ناهنجاری‌های اخلاقی مانند: ایمان، عفت، نرم‌خویی، انفاق، تواضع، خشیت و ناهنجاری‌های اخلاقی مانند: کفرورزی، ریا، تکبر، ستمگری، غیبت و... از تصویرگری هنری بهره برده است و مخاطب را به سوی تأمل سوق می‌دهد و از رهگذر همین تأمل و درنگ در تصویرها، پیام‌های نهفته در ورای این تصاویر دریافت می‌شوند.

از نمونه‌های تصویر شنیداری قرآن کریم، انگاره‌ای است که از ناله سیاه‌بختان ارائه داده است و می‌فرماید: {فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِی النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ} (هود ۱۰۶) و اما کسانی که تیره بخت شده‌اند، در آتش، فریاد و ناله‌ای دارند.

در میان تصاویر هنری قرآن، ارزش‌ها یا بهنجارها، در تابلویی از تصاویر حق، خشیت الهی، تواضع، انفاق، نمایان گشته و ضد ارزش‌ها یا نابهنجاری‌ها نیز در ایماژ و تصاویری که از «کفر»، «باطل»، «شرک»، «نفاق و دوربی»، «تکبر»، «قساوت قلب»، «ریاکاری» و «خست و تذبذب» و ارائه شده‌اند، دیده می‌شوند.

الف. تصویر ارزش‌ها (هنجارها)

۱. تصویر حق

حق واقعیتی انکارناپذیر و آنچه که در برابر باطل قرار می‌گیرد. بدون تردید برترین واقعیت و ارزشمندترین پدیده‌ها، «حق» در برابر «باطل» است، قرآن مجید برای تبیین این حق آورده است: ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةً بِقُدْرَتِهَا فَأَحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ...﴾ (رعد ۱۷) [همو که] از آسمان، آبی فرستاد. پس رودخانه‌های به اندازه گنجایش خودشان روان شدند، و سیل، کفی بلند روی خود برداشت، و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی، در آتش می‌گدازند همه نظیر آن کفی بر می‌آید. خداوند حق و باطل را چنین مثل می‌زند. اما کف، بیرون افتاده از میان می‌رود، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین [باقی] می‌ماند.

تحلیل تصویر:

تصویر دیداری آیه فوق دارای سه مشخصه؛ مرکب، مجسم و متحرک بودن است. مرکب بودن این تصویر از آن جهت است که مجموعه‌ای از تصاویر جزئی یعنی «ریزش باران»، «جاری شدن رودخانه‌ها» و «بستر این رودخانه» ترسیم شده و تداعی‌کننده این معناست که حق یک واقعیت سودمند است.

مجسم بودن از آن نظر است که حق، به عنوان یک امر معنوی، به صورت پدیده‌ای محسوس (تصاویر جزئی) ترسیم شده و به نمایش درآمده است.

متحرک بودن تصویر از راه به کار گیری کلمه «سالت» از مصدر «سیلان» - که نمایشگر جاری شدن و نمایانگر حرکت می‌باشد - تحقق یافته است. و بدین ترتیب برای ذهن مخاطب حق را حقیقتی پویا، سودمند، ملموس و محسوس بر ذهن مخاطب می‌نشانند.

۲. تصویر باور دینی (توحیدی)

اساس دین ناب، باور توحیدی است، قرآن مجید در ترسیم این باور، تصویری دیداری ارائه می‌دهد و می‌فرماید: {الْمُ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ} (ابراهیم ۲۴) آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است.؟

تحلیل تصویر:

محمد حسین طباطبایی در ذیل این آیه آورده که مراد از «کلمة طيبة»، عقیده حق ثابت و همان توحید است (المیزان ۵۲/۱۲). تابلو به نمایش درآمده، تصویری دیداری است، باور دینی توحید به صورت درختی پاک و سرسبز ترسیم شده که پیراسته از هر آفتی است، و ریشه های محکم آن در درون زمین پنجه افکنده اند، به گونه ای که طوفان ها و تندبادها توانایی از جاکندن آن را ندارند، و شاخه هایش نیز سر به آسمان کشیده و در فضا گسترده شده اند.

تصویر خیالی ارائه شده تابلوی است زیبا و جذاب که حس و خیال انسان را بر می‌انگیزد و صحنه های بدیعش نوازشگر چشم خیال و زمینه ساز نوعی تصور است و به تبع، تصدیق حقیقت ایمان را به دنبال دارد.

۳. خصلت دینی

خصلت در لغت به معنای خوی و صفت خواه نیک باشد و خواه زشت، طبع و طبیعت، خوی، عادت آمده است (دهخدا ۱۳۴۳، ۶: ۸۶۳۴). در آیات شریفه قرآن علاوه بر طرح خصلت هایی که در درون انسان نهاده شده و فارغ از گرایش های عقیدتی اوست مانند عجول، هلوع و... به برخی از خصائص برگرفته از ایمان از قبیل خشیت الهی پرداخته شده، این امور معنوی در قالب تصویری هنری محسوس می شوند.

۱/۳. تصویر خشیت الهی

خشیت از امور انتزاعی و معنوی است و با واژه خوف قرابتی ویژه دارد، قرآن مجید خشیت را از صفات بارز مؤمنان بر شمرده است و در تابلویی زیبا به تصویر کشیده، می فرماید: {اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ...} (زمر ۲۳) خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه، متضمن وعده و وعید، نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می افتد، پس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می گردد.

تحلیل تصویر:

در آیه فوق دو گونه تصویر ارائه شده است:

۱. تصویر جمع شدن پوست ۲. تصویر نرم گشتن پوست

در این تصویر عنصر لفظ «تقشعر» تصویری حرکتی می آفریند، چه فعل «تقشعر» تصویر حرکت آرام آرام جمع شدن پوست را نشان می دهد. تصویری که به حضور عنصر عاطفه و اثر بخشی می انجامد؛ چه با ترسیم صحنه ای از ترس مؤمنان احساس مخاطب را هدف گرفته، وی را تحت تاثیر قرار داده و او را به به درنگ و تأمل در این تصویر و پیام های آن توجه می دهد.

۴. رفتار دینی

منظور از رفتار دینی، کردارهایی همانند وقار بانوان، عفت، فروتنی بر خاسته از باور دینی افراد است.

۱/۴. تصویر وقار بانوان

از نمونه آیاتی که رفتار دینی را به تصویر می‌کشد، آیه‌ای است که رفتاری مطلوب از زنان پیامبر (ص) را ترسیم می‌کند. آنجا که آمده است: {وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَ...} (احزاب ۳۳) و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نسازید.

واژگان به کار رفته در این تصویر، به ترسیم تابلوی دیداری در ذهن مخاطب می‌انجامد؛ چه «کلمه «تَبَرَّجُ» از ماده بَرَجَ به معنای آشکار کردن زینت و محاسن برای مردان است» (ابن منظور ۱۳۶۳: ۲: ۳۵۹). و «از ماده برج گرفته شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است» (مکارم ۱۳۷۴، ۱۷: ۲۹۰). و «کلمه «وقرن»: از ماده «وقار» یا از ماده «وقر» به معنای نشستن است» (ابن منظور ۱۳۶۳، ۱۵: ۳۶۵، اصفهانی ۱۳۲۴، ۵۳۰)

تحلیل تصویر:

تعبیرات پارادوکسی و متناقض نمای «قرن» و «تبرج» به همراه عنصر مکان (بیوت) و عنصر زمان (زمان نزول آیه و عصر جاهلی)، صحنه‌ای از رفتار زنانی را به تصویر می‌کشد که از روی عفت و وقار، در خانه‌های خود می‌مانند و در مقابل نامحرمان خود نمایی نمی‌کنند، و در مقابل، تعبیر «تَبَرَّجْنَ...» صورت آن دسته از زنان جاهلی را نشان می‌دهد که ظاهر خود را آراسته و در محافل عمومی خود نمایی می‌کردند. بدین ترتیب با تصویری متقابل رفتارهای زنان را به چالش می‌کشد.

عفت به معنای نهفتگی و پاکدامنی، پرهیزگاری و پارسایی و پرهیز از محرّمات خصوصاً از شهوات حرام است گفته شده «عفت ترک شهوت است نسبت به هر چیزی که تصور رود از امور و مشتتهیات نفسانی در این جهان است» (دهخدا ۱۳۴۳، ۱۹:۳۳۳).

یکی از ارزش‌های والای انسانی که سرچشمه ارزش‌های دیگر است، خوی عفت است، این ویژگی را می‌توان یکی از پایه‌های اخلاق و صفت کلیدی برای عقب زدن رذایل و سوق دهنده به سوی سعادت و درجات عالی دانست. خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره احزاب، همسران پیامبر را به عفت در کلام سفارش می‌کند و می‌فرماید: { يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا } ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید.

در تفسیر المیزان آمده: «خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه، و خیال‌های شیطانی نموده، شهوتش را برانگیزانند، و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد، و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد» (طباطبایی ۱۳۹۴، ۱۶:۳۱۵).

تصویر دیداری و شنیداری این آیه، تابلو صحنه‌ای از زنان را به نمایش گذاشته که در هنگام سخن گفتن صدای خود را نازک می‌کنند و باعث تحریک دل‌های افراد شهوت ران می‌شوند، در این آیه خداوند متعال به زنان پیامبر سفارش می‌کند که در هنگام سخن گفتن جدی و خشک و به صورت معمولی سخن بگویند، نه همچون زنان سبک رفتاری که با تحریکات زننده خود که گاه توأم با ادای مخصوصی است، افراد شهوت ران را به گناه می‌اندازند.

۳/۴. تصویر تواضع (فروتنی)

«تواضع خصلتی است که نمی‌گذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتار، چیزی است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند» (نراقی ۱۳۸۳، ۲۱۹).

تواضع در قرآن کریم انواع مختلفی را شامل می‌شود، از جمله: تواضع در برابر پروردگار، در برابر والدین و در برابر خلق.

۱/۳/۴. تصویر تواضع در برابر پروردگار

خداوند متعال در توصیف فروتنی دانشمندان می‌فرماید: {إِنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعَدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا} (اسراء ۱۰۷-۱۰۸)

با عنایت به معنای واژه‌های «بخرون» و «أذقان»، ترکیب نحوی این کلمات، و فعل‌های مضارع «بخرون» و «يقولون» که استمرار رفتار را می‌رساند، تصویری دیداری و حرکتی و نقش تابلوی را نشان می‌دهد که در بوم آن شاهد افرادی هستیم که از روی تواضع پیوسته در برابر خداوند به سجده می‌افتند.

۲/۳/۴. تصویر تواضع در برابر پدر و مادر

از زیباترین جلوه‌های تواضع، تواضع در برابر پدر و مادر است، این ویژگی اخلاقی در آیه ۲۴ سوره اسراء به تصویر درآمده است، می‌فرماید: {وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ...} واز سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر.

«خفض» نقطه مقابل رفع، به معنای راحتی و سیر آرام و «خافض الجناح» به معنای باوقار و بردبار است» (ابن منظور ۱۳۶۳، ۴: ۱۵۴، اصفهانی ۱۳۲۴، ۱۵۲). طبرسی آورده است: «عرب هرگاه بخواهد کسی را توصیف کند که در برابر پدر و مادر، نرمخو و مهربان است، می‌گوید: «او خافض الجناح است» (۲: ۳۲۴).

در تفسیر المیزان آمده است: «کلمه خفّض جناح (پر و بال گستردن)، کنایه از مبالغه در تواضع و خضوع زبانی و عملی است. این معنا از همان صحنه‌ای گرفته شده که جوجه بال و پر خود را باز می‌کند تا مهر و محبت مادر را تحریک نموده و او را به فراهم ساختن غذا وادار سازد و به همین جهت کلمه «جناح» را به «ذلت» مقید کرده و فرمود: «جناح الذل»؛ از این رومعنا آیه این است که انسان باید در معاشرت و گفتگوی با پدر و مادر طوری روبرو شود که پدر و مادر تواضع و خضوع او را احساس کنند، و بفهمند که او خود را در برابر ایشان خوار می‌سازد، و نسبت به ایشان مهر و رحمت دارد» (طباطبایی ۱۳۹۴، ۱۳:۷۹).

آلوسی می‌گوید: «در این عبارت استعاره مکنیه و تخیلیه به کار رفته است؛ زیرا فروتنی و تواضع به پرنده ای تشبیه شده است که از بلندی به پایین می‌آید، و برای او بال‌هایی خیالی قرار داده است، تعبیر «خفّض» ترشیح این استعاره می‌باشد؛ زیرا پرنده هنگامی که می‌خواهد پرواز کند و بالا رود بال‌هایش را باز می‌کند و آن دو را بالا می‌برد تا پرواز کند و هنگامی که این عمل را انجام ندهد هر دو بال پایین می‌آیند. همچنین هنگامی که شکاری را ببیند از او می‌ترسد و به زمین می‌چسبد و بال‌هایش را می‌چسباند که نشانه نهایت ترس پرنده است» (روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۵:۵۶).

تحلیل تصویر:

نوع تصویری که در این آیه ترسیم شده، دیداری است. بدین گونه که تابلویی در برابر دیدگان ما مجسم می‌شود که در آن شخصی پدر و مادر خود را با محبت در آغوش گرفته است، این تصویر از همان صحنه‌ای گرفته شده که پرنده بال‌های خود را باز می‌کند تا جوجه‌هایش را در آغوش بگیرد.

شبیه این تصویر در سوره حجر آیه ۸۸ آمده است. در این آیه، خداوند سبحان، پیامبر اکرم (ص) را به تواضع در برابر مؤمنان سفارش می‌کند و می‌فرماید: {... وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ} و بال خویش برای مؤمنان فروگستر.

و در آیه ۲۱۵ سوره شعراء نیز تکرار شده است، می‌فرماید: {وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ} و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده اند، بال خود را فروگستر.

یکی دیگر از مصادیق تواضع، تواضع در برابر خلق است، در حقیقت تواضع، ویژگی اخلاقی است که در تمام اعمال انسان، حتی در کیفیت راه رفتن و سخن گفتن نیز آشکار می‌شود، می‌فرماید: {وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا} (فرقان ۶۳) بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام بر می‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند.

کلمه «هَوْنٌ» مصدر هَيَّنَ به معنی نرمی و ملایمت و آرامش و وقار است» (ابن منظور ۱۳۶۳، ۱۶۵:۱۵، اصفهانی ۱۳۲۴، ۵۴۷). «این کلمه حال یا صفت است برای «مشی» یعنی راه رفتن با وقار و سکینه است» (طبرسی، ۱۴۵:۳).

ب. تصویر ضد ارزش‌ها (ناهنجاری‌ها)

پر واضح است که یکی از شیوه‌های قرآن مجید در بیان واقعیت‌ها، توصیف متقابل است بدین معنی که ایمان و کفر، هدایت و ضلالت، ریا و اخلاص، بخشش و خست را به صورت متضاد تبیین شده‌اند؛ از این رو انگاره‌ها و تصویرهای هنری قرآن محدود به توصیف هنجارها و ارزش‌ها نیست، بلکه در تبیین نابهنجاری‌ها نیز از همین شیوه بهره برده است و به کمک عنصر تجسیم امور انتزاعی ضد ارزش‌ها را ملموس و محسوس ساخته است. در این جستار به تحلیل نابهنجاری‌هایی مانند «شرک»، «قساوت قلب»، «ریا در انفاق» و «خسّت» پرداخته می‌شود:

۱. تصویر شرک

قرآن کریم در ترسیم باور «شرک»، تصویری دیداری ارائه می‌دهد و می‌فرماید: {وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ} (ابراهیم ۲۶) مَثَلِ سَخْنِي نَپَاكٍ چُونِ دَرَخْتِي نَپَاكٍ است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد.

«واژه «اجتثت» از ماده «جثّ» به قطع کردن چیزی از ریشه گفته می‌شود» (ابن منظور ۱۳۶۳، ۲: ۱۷۶). در تفسیر المیزان آمده است: «اجتثت به معنای از بیخ بر کندن است، وقتی می‌گوییم جثته معنایش این است که آن را از بیخ برکنند، و کلمه جث به معنای بلندی‌های زمین مانند تل است، جثه هر چیز، جسد آن است که خود یکی از برآمدگی‌های زمین است» (طباطبایی ۱۳۹۴، ۱۲: ۷۴).

تحلیل تصویر:

در آیه فوق، شرک ورزیدن به خدا که امری انتزاعی و معنوی است با آرایه تجسیم به گونه درختی ترسیم شده که ریشه عمیقی ندارد، در این توصیف نوعی آشنازدایی دیده می‌شود؛ زیرا معمولا درخت، ریشه‌ای در دل خاک دارد. پیام این تصویر آن است که شرک ظاهری پر زرق و برق دارد، ولی بی ریشه است و در برابر حوادث هیچ مقاومتی ندارد (ما لها من قرار).

در تابلو دیگری پناهگاه پوشالی مشرکان را به شکل یک انگاره یعنی تصویر هنری تجسیم نموده و آن را توصیف می‌کند و می‌فرماید: {مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ} (عنکبوت ۴۱) داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند، همچون داستان عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه‌ای برای خویش ساخته، و در حقیقت - اگر می‌دانستند - سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است.

۲. قساوت قلب

قساوت قلب حالتی است که آدمی به سبب آن از آلامی که به دیگران می‌رسد و به مصایبی که به ایشان رو می‌آورند متأثر نمی‌گردد و شکی نیست که بسیاری از افعال زشت چون ظلم و اذیت کردن و به فریاد مظلومان نرسیدن و دستگیری فقرا و محتاجان را نکردن از این صفت ناشی می‌شود و ضد این صفت رقت و رحیم بودن دل است (نراقی ۱۳۸۳، ۲۲۵).

قرآن کریم در ترسیم سنگدلی یهودیان می‌فرماید: {ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ} (بقره ۷۴) سپس دل‌های شما پس از این [واقعه] سخت گردید، همانند

سنگ یا سخت تر از آن، چرا که از برخی سنگها، جوی‌هایی بیرون می‌زند، و پاره ای از آنها می‌شکافد و آب از آن خارج می‌شود، و برخی از آنها از بیم خدا فرو می‌ریزد، و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست.

«کلمه «قسوة» از ماده «قسو» به سختی در هر چیز گفته می‌شود و به معنای سنگدل نیز آمده است» (ابن منظور ۱۳۶۳، ۱۵: ۱۸۰، اصفهانی ۱۳۲۴، ۶۷۱).

کاربست فعل «قسّت» برای قلب یک تعبیر مجازی است و تصاویر جزئی ارائه شده در این تصویر به توضیح و تبیین سنگدلی یهودیان می‌پردازند. عنصر اساسی این تصویر تجسیم است، و بدین ترتیب، قساوت قلب که از حالات روحی انسان محسوب می‌شود به صورت محسوس نشان داده شده است.

۳. ریای در انفاق

نقطه مقابل اخلاص «ریا» است، پدیده‌ای که شرک خفی است و در آیات و روایات اسلامی مذمت شده و آن را عاملی جهت بطلان اعمال و نشانه‌ای از نشانه‌های منافقان معرفی کرده‌اند. قرآن کریم در ترسیم عمل ریاکاران می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره ۲۶۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل مکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او همچون سنگ خارایی است که بر روی آن، خاکی [نشسته] است، و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف برجای نهاده است. آنان [ریاکاران] نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

«صفوان» از ماده «صفا» به معنی سنگ صاف و سخت است» (اصفهانی ۱۳۲۴، ۲۸۴). ابن سبیه می‌گوید: «صفوان به سنگ سخت و ضخیمی گفته می‌شود که چیزی را نمی‌رویانند» (ابن منظور ۱۳۶۳، ۷: ۳۷۱). کلمه «وابل» از ماده «ویل» به معنی باران شدید دانه درشت و سنگین است» (همان ۱۵: ۲۰۱ و اصفهانی ۱۳۸۳، ۵۱۱). واژه «صلد» به معنای سنگ سختی است که چیزی در آن رشد نمی‌کند» (ابن منظور ۱۳۶۳، ۳۸۶: ۷، اصفهانی ۱۳۲۴، ۲۸۵).

در تابلو ترسیم شده، با بهره‌گیری از عنصر تجسیم، تصویری دیداری از ریاکاری و منت نهادن در انفاق ارائه شده است، در این تصویر منظره‌ای را در برابر ذهن مخاطب قرار می‌دهد که در آن تصویر، بر روی «قطعه سنگ خارا»، «لایه نازکی از خاک بر سطح آن سنگ نشسته» و «باران تندی بر روی این لایه خاکی» می‌بارد و آن را به صورت «سنگ صاف برهنه» که قابلیت رشد گیاه را ندارد در می‌آورد. این انگاره بیانگر درون افرادی است که اموال خود را با انگیزه ریا و منت نهادن انفاق می‌کنند، و یادآور این حقیقت است که دل‌های این قبیل افراد همانند سنگ سختی است که ریشه گیاه و آبی در آن نفوذ نمی‌کند و انفاق‌هایشان همچون خاک اندکی است که سطح سنگ را می‌پوشاند، و رگباری آن را می‌شوید.

۴. تصویرخست و تبذیر

بخل از جمله صفات منفی در ادیان و شرایع به خصوص دین مقدس اسلام است که در لغت از آن به «امساک، نگه داشتن و حبس کردن» (ابن منظور ۱۳۲: ۲، ۱۳۶۳). تعبیر می‌شود، و در اصطلاح «عبارت است از امساک کردن در مقامی که باید بذل کرد و ندادن آنچه را که باید داد و آن طرف تفریط است و افراط آن اسراف است که عبارت است از خرج کردن آنچه نباید خرج کرد» (نراقی ۱۳۸۳، ۲۹۸).

در زبان قرآن همراه شدن تعابیر متضاد، که به صورت نفی و اثبات یا سلب و ایجاب نمود یافته‌اند پربسامد است، تعابیری مانند { قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ } (رعد: ۱۶) و مانند: { هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ } (زمر: ۹). این شیوه در آفرینش تصاویر نیز با آوردن مفاهیم متضاد در کنار یکدیگر است، که علاوه بر پویایی، تحرک خاصی نیز به کلام می‌بخشد و عبارت را از حالت سکون خارج می‌سازد، از جمله این تصاویر متضاد، تصویری است که رذیله بخل و اسراف را در کنار یکدیگر به نمایش می‌گذارد و می‌فرماید: { وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا } (اسراء ۲۹) و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما که ملامت شده و حسرت زده بر جای می‌مانی.

در این آیه با تعبیر «دست به گردن بستن» و «گشودن گسترده دست» که کنایه از خست و بذل و بخشش و نهی از افراط و تفریط در انفاق است» (طباطبایی ۱۳، ۱۳۹۴ / ۱۱۴). تصویری دیداری ارائه و تابلویی نمایش داده می‌شود که در آن شاهد دو نوع تصویر هستیم.

۱. تعبیر {مَعْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ} تصویر دیداری فردی را نشان می‌دهد که دستانش را به گردنش بسته و قدرت انجام هیچ کاری را ندارد.

۲. عبارت {لَا تَبْسُطُهَا كُلَّ الْبَسْطِ} تصویر دیداری فردی است که دستانش را باز نگه داشته و قدرت نگه داشتن چیزی را ندارد.

نتیجه گیری

در زبان قرآن، تصویر های هنری قرآن نمونه ای از لطافت های خردگرایانه آن است، این شیوه به گونه ایست که موضوعات معنوی و مفاهیم انتزاعی را مجسم ساخته و به صورت تابلوهایی دیداری مشهود و محسوس می سازد.

تصویر گری های فنی یا انگاره های قرآن محدود به ارزش های اخلاقی یا هنجارها مانند خشیت، عفت، تواضع نمی شود، بلکه در تبیین ضدارزش هایی مانند: کفر، قساوت و خست نیز به کار رفته و این قبیل امور معنوی را محسوس و ملموس می سازد .

در انگاره های قرآن عنصر تجسیم و انگاره های مجسم بسیار پر بسامد تر از تصویرهای تخیلی است. و اکثر تصویرها دیداری است .

تصویرهای هنری قرآن احساسات و عواطف فطری آدمی را هدف گرفته اند تا بدین وسیله مخاطب را به تأمل در رفتار خویش سوق دهند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۳۶۳ش) «لسان العرب»، قم، نشر ادب الحوزه.
۳. اصفهانی، الراغب، (۱۳۲۴ق) «المفردات» مصر، مطبعة الميمنية، الطبع الاول.
۴. اقبالی، عباس (۱۳۸۸ش) «تصویر شنیداری و دیداری در معلقات سبع»، مجله زبان و ادبیات عربی، دوره اول، شماره ۱، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۵. آلوسی، سیّد محمود، (د.ت) «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۶. پرین، لارنس (۱۳۸۳ش) «درباره شعر»؛ ترجمه فاطمه راکعی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اطلاعات.
۷. التفتازانی، سعد الدین (۱۳۸۸ش) «مختصر المعانی»، قم، دارالفکر.
۸. جرجانی، عبدالقادر (۱۴۰۳ق) «دلائل الاعجاز»، الطبعة الاولى، دمشق، دارقنیه.
۹. دشتی، محمد (۱۳۸۶ش) «ترجمه نهج البلاغة»، چاپ ۸، قم، انتشارات قدس.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳ش)، «لغتنامه»، تهران، بی جا.
۱۱. رز غریب (۱۳۷۸ش) «نقد بر مبنای زیبا شناسی» ترجمه: نجمه رجایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۲. السیالکوتی (۱۴۰۲ق)، «حاشیة السیالکوتی علی المطول»، ط ۲. قم: منشورات الرضی.
۱۳. شنفری (۱۹۹۱م) دیوان، جمعه و حقه و شرحه، امیل بدیع یعقوب، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۴. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۴ق)، «المیزان فی تفسیر المیزان»، بیروت، الأعلمی.
۱۵. طبرسی (بی تا) «مجمع البیان»، تحقیق رسولی محلاتی، تهران، انتشارات اسلامیة.
۱۶. طرفه بن عبد (۱۳۹۰ق) «دیوان م، حقه و قدم له، فوزی عطوی، بیروت، دارصعب.
۱۷. علی القضاة، أحمد مصطفی (۱۹۸۸م) «الشعرية الإسلامية والفنون» بیروت، دارالجيل.
۱۸. فتوحی، محمّد (۱۳۸۶ش) «بلاغت تصویر»، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن.
۱۹. قرائی مقدم، امان الله (۱۳۷۴ش) «مبانی جامعه شناسی» چاپ اول تهران، انتشارات ابجد.
۲۰. قطب، سیّد، (۲۰۰۲م) «التصویر الفني فی القرآن»، الطبعة السادسة عشرة، قاهرة، دارالشروق.
۲۱. مغنیه، محمد جواد، (۱۹۷۰م) «الكاشف»، ط، بیروت، دارالعلم للملایین.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش) «تفسیر نمونه» چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۲۳. نراقی، ملا احمد (۱۳۸۳ق) «معراج السعادة»، تهران، شرکت سهامی طبع کتاب.

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

- Ibn Manzoor, M.(1984) "*Language of the Arabs*", Qom, Adab Al-Hozah publication.
- Isfahani, A., (1906) "*Al-Mufradat*", 1th edition, Egypt: Al-Mu'miniya Press.
- Eqbali, A. (2010) "*Audiovisual and visual image in the seven suspensions*", Journal of Arabic Language and Literature, Vo. 1, No. 1, Mashhad, Ferdowsi University. Doi: 10.22067/JALL.V1I1.3008
- Alusi, S., (No date) "*The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an*", Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
- Perrin, L. (2004) "*About Poetry*"; Translated by Fatemeh Rakaei, 3th edition, Tehran: Etela'at Publications.
- Al-Taftazani, S.(2009) "*Summary of meanings*", Qom: Dar al-Fikr.
- Jorjani, A.(1982) "*Evidences of Miracles*", 1th edition, Damascus, Darqatiba.
- Dashti, M. (2007) "*Translation of Nahj al-Balaghah*", 8th edition. Qom: Quds Publications.
- Dehkhoda, A. (1964), "*Dictionary*", Tehran.
- Rose G. (1999) "*Critique based on aesthetics*", Translation into Farsi: Najmeh Rajaei, Mashhad: Ferdowsi University.
- Al-Siyalkuti (1981), "*Hashyah Al-Siyalkut Alaa al-Mutawal*", Vol. 2 Qom: Al-Razi Publications.
- Shanfara (1991) "*Divan*", research: Amil Badi Yaqub, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Tabatabai, M. (2015), "*Al-Mizan Fi Tafsir Al-Mizan*", Beirut: Al-Alami.
- Tabarsi (No date) "*Majma 'al-Bayan*", research by Rasooli Mahallati, Tehran: Islamic Publications.
- Tarfa bin Abd (1970) "*Diwanim*", research: Fawzi Atwi, Beirut, Dar Saab.
- Ali Al-Qada, A.(1988) "*Islamic Poetry and Arts*", Beirut, Dar Al-Jalil.
- Fotouhi, M. (2007) "*Image Rhetoric*", 1th edition, Tehran: Sokhan Publications.

Qaraei Moghadam, A. (1995) "*Fundamentals of Sociology*", 1th edition of Tehran: Abjad Publications.

Qotb, S., (2002) "*Artistic images in the Qur'an*", 7th edition, Cairo: Dar al-Shorouk.

Mughniyeh, M., (1970) "*Al-Kashif*", Beirut, Dar al-Elm Lelmalaeen.

Makarem Shirazi, N. (1995) "*Tafsir Nemooneh*", 1th edition, Tehran: Islamic Library.

Naraghi, M.(1963) "*Ascension of Happiness*", Tehran: Book Printing Company.